

برنامه درسی مغفول^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

دکتر سعید صفایی موحد^۲

مقدمه

یکی از عوامل مؤثر در رشد و توسعه یک حوزه علمی، تعداد مفاهیم و نظریه‌های خاص آن حوزه است. با نگاهی گذرا به دیسپلین‌های ساخت بشر متوجه می‌شویم آن‌هایی که توانسته‌اند مفاهیم و نظریه‌های افزون‌تری برای شناخت جهان و پدیده‌های آن ارائه کنند استحکام و ثبات بیشتری در دنیای آکادمیک داشته‌اند (مانند دیسپلین‌های ریاضی، فیزیک، ...). با این اوصاف به نظر می‌رسد برنامه درسی که به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی نخستین بار در سال ۱۹۱۸ با انتشار کتاب "فرانکلین بابیت"^۳ پا به عرصه حضور نهاد هنوز نتوانسته است آن‌چنان که انتظار می‌رود در توسعه و گسترش مفاهیم خاص و منحصر به فرد خود توفیق چندانی به دست آورد. در این میان، برنامه درسی مغفول را می‌توان از جمله محدود دستاوردهای مفهومی رشته برنامه درسی دانست. این مفهوم که نخستین بار توسط "الیوت آیزنر"^۴ در سال ۱۹۷۷ مطرح شد آن‌چنان که باید و شاید در حوزه پژوهش‌های برنامه درسی مورد توجه قرار نگرفته است (مهرمحمدی، ۱۳۹۱). البته این مفهوم در کتاب‌های ایرانی برنامه درسی با اسامی گوناگون دیگری همچون پوچ، عقیم، و محذوف نیز مطرح شده است.

برنامه درسی مغفول چیست؟

آیزنر (۱۹۹۴) معتقد است مدارس به‌طور هم‌زمان سه نوع برنامه درسی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند: برنامه درسی آشکار^۵، برنامه درسی ضمنی^۶، و برنامه درسی مغفول. برنامه درسی آشکار شامل گروهی از اهداف، آرمان‌ها و حوزه‌های محتوایی است که نظام آموزشی آن‌ها را صراحتاً اعلام و ابلاغ نموده و سعی در ارائه و تحقق آن‌ها دارد. این بعد ماهیتاً آشکار بوده و نظام آموزشی قصد خویش از ارائه آن را اعلام می‌دارد. گونه دوم برنامه درسی که آیزنر به معرفی آن می‌پردازد، برنامه درسی ضمنی است. برنامه درسی ضمنی شامل ارزش‌ها و انتظاراتی است که صراحتاً در برنامه درسی آشکار ارائه نشده‌اند، اما دانش‌آموزان به دلیل حضور در متن و بطن فرهنگ و تعاملات مدرسه آن‌ها را کسب و تجربه می‌کنند. این دو مفهوم (برنامه درسی آشکار و پنهان) در حوزه مطالعات برنامه درسی سابقه‌ای نسبتاً دیرینه دارند و پژوهش‌های گسترده و متنوعی در مورد آن‌ها صورت گرفته است.

اما گونه سوم برنامه‌های درسی مدارس از دید آیزنر، برنامه درسی مغفول نام دارد. برنامه درسی مغفول شامل تمامی فرصت‌های یادگیری است که نظام آموزشی به دلیل سنت و غفلت از ارائه آن به یادگیرندگان باز می‌ماند. هدف و کارکرد اصلی این مفهوم، جلب توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی به تأمل و اندیشه درباره چیزهایی است که از دستور کار نظام آموزشی و از حوزه برنامه درسی آشکار حذف شده‌اند (مهرمحمدی، ۱۳۹۱). به عقیده آیزنر آنچه مدارس آموزش نمی‌دهند می‌تواند به اندازه آنچه آموزش می‌دهند حائز اهمیت باشد، چرا که محروم کردن افراد از فرصت‌های مختلف می‌تواند علاوه بر اینکه تأثیرات مخربی بر زندگی افراد داشته باشد، دامنه آموخته‌ها و تجربیات آن‌ها را محدود کرده و تصویری تحریف شده از واقعیت‌ها به دست دهد (آیزنر، ۱۹۹۴).

1. Null Curriculum
s_s_movahed@yahoo.com

3. Franklin Bobbit
4. Ellior Eisner
5. Explicit Curriculum
6. Implicit Curriculum

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اما نکته مهمی که نوعی تناقض در تعریف برنامه درسی مغفول به وجود می‌آورد این است که اگر این نوع برنامه درسی مغفول است و وجود ندارد پس چه چیزی را آموزش می‌دهد؟!

به عقیده آیزنر در صورتی که بخواهیم برنامه درسی را براساس پیامدهای آن بررسی نماییم (تلقی برنامه درسی به‌عنوان تجربه) می‌باید بدین نکته واقف باشیم که آنچه آموزش داده می‌شود و آنچه آموزش داده نمی‌شود هر دو می‌تواند بر دامنه تجربیات دانش‌آموزان تأثیر گذارند. به عبارت دیگر آنچه مدارس آموزشی نمی‌دهند می‌تواند به اندازه آنچه آموزش می‌دهند حائز اهمیت باشد. محروم کردن یادگیرندگان از فرصت‌های یادگیری مختلف می‌تواند تأثیرات محدودکننده‌ای به همراه داشته باشد (آیزنر، ۱۹۹۴).
با توجه به آنچه تا به حال بیان شد، به نظر می‌رسد که شناخت عمیق‌تر و وسیع‌تر مفهوم برنامه درسی مغفول مستلزم پاسخگویی به سؤالات ذیل باشد:

- انواع برنامه درسی مغفول کدامند؟
- ابعاد اصلی برنامه درسی مغفول چیست؟
- علل شکل‌گیری برنامه مغفول کدامند؟
- کارکردهای اساسی مفهوم برنامه درسی مغفول چیست؟
- شناخت برنامه درسی مغفول چگونه امکان‌پذیر است؟

انواع

برنامه درسی مغفول را با توجه به دیدگاه‌های مطروحه می‌توان شامل انواع ذیل دانست:

مغفول آشکار: این نوع برنامه درسی مغفول شامل فرصت‌های یادگیری است که به طور کلی از برنامه درسی آشکار حذف شده‌اند. این دسته از فرصت‌های یادگیری را می‌توان با توجه به شاخص‌های ارائه شده در فلسفه تربیتی حاکم بر نظام آموزشی شناسایی کرد. به همین دلیل آن را مغفول از نوع آشکار می‌نامند (مهرمحمدی، ۱۳۹۱). مثلاً سواد اطلاعاتی حوزه‌ای است که اگرچه بسیار مورد نیاز فراگیرندگان عصر حاضر است اما عملاً در برنامه‌های درسی مقاطع مختلف وجود ندارد.

مغفول پنهان: این نوع شامل آن دسته از حوزه‌های محتوایی است که در برنامه درسی آشکار وجود دارند، اما به دلیل عواملی چون کهنگی، عدم تناسب با نیازها، و یا عدم تناسب با زمان اثربخشی لازم را ندارند. در حقیقت این حوزه‌های محتوایی یا فرصت‌های یادگیری در ظاهر وجود دارند، اما حضورشان اثر چندانی ندارد. این گروه را از آن جهت مغفول پنهان می‌نامند که شناخت آن مستلزم نگاه عمیق به چیزهایی است که در ظاهر وجود دارند و خیال ما را از بابت حضورشان راحت می‌سازند، اما در واقع اثربخشی لازم را ندارند. موسی پور (۱۳۸۷) این نوع برنامه درسی را عقیم^۷ می‌نامد.

محدوف^۸: این نوع از برنامه درسی مغفول را نخستین بار موسی پور (۱۳۸۷) مطرح نمود. به عقیده وی برنامه درسی محذوف شامل آن دسته از فرصت‌های یادگیری است که به قصد و عمد از برنامه درسی آشکار حذف شده‌اند. البته در مورد اینکه بتوان محذوف را گونه‌ای از برنامه درسی مغفول دانست یا خیر اختلاف نظر وجود دارد، برای مثال مهرمحمدی (۱۳۸۷) با تلقی این‌گونه برنامه به‌عنوان نوعی از برنامه درسی مغفول مخالف بوده و برنامه درسی مغفول را صرفاً شامل حوزه‌هایی می‌داند که به دلیل **ناآگاهی** یا **عادت** از صحنه برنامه درسی قصد شده یا آشکار حذف شده‌اند.

ابعاد

با مروری بر پیشینه پژوهشی نه‌چندان گسترده در حوزه برنامه درسی مغفول می‌توان سه بعد اساسی این‌گونه برنامه را به شرح ذیل بیان

کرد:

۱- بعد محتوایی: این بعد شامل آن دسته از موضوعات و حوزه‌های دانشی است که مورد غفلت قرار گرفته و از دامنه فرصت‌های یادگیری ارائه شده به دانش‌آموزان حذف شده‌اند (آیزنر، ۱۹۹۴). برای مثال یکی از مسائل و مشکلات امروزه جامعه ایرانی، گسترش تنش‌ها و درگیری بین اعضاء خانواده‌ها و بطور کلی شهروندان جامعه است. این در حالی است که نظام آموزشی می‌تواند با گنجانیدن دروسی تحت عنوان مهارت‌های زندگی نقش مؤثری در این میان ایفا کند.

۲- بعد فرایندهای ذهنی: به آن دسته از فرایندهای فکری اطلاق می‌شود که در دیدگاه‌ها و نظریه‌های تربیتی حائز ارزش و اهمیت بوده و به‌عنوان کارکردهای عمده تعلیم و تربیت دارای ارزش و احترام هستند. برای مثال فرایندهایی چون تفکر نقاد، خلاقیت و شهود اگرچه در دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های تجربی نیز بر نقش آن‌ها در توسعه تمامیت فردی تأکید داشته‌اند اما برنامه‌های درسی مدارس به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که موارد مذکور را به‌سختی مدنظر قرار داده‌اند (کوئین، ۲۰۱۰).

۳- بعد نگرشی: این بعد شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و حوزه عواطف می‌باشد. در بسیاری از نظام‌های آموزشی اهداف حوزه شناختی بر اهداف حوزه عاطفی و نگرش تفوق پیدا می‌کنند و ارزش و هنجارها آن‌چنان که باید و شاید مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بدین ترتیب تعلیم و تربیت به مهارت‌آموزی و دانش‌اندوزی محدود شده و از تربیت انسان‌هایی جامع‌نگر باز می‌ماند (فلیندرز، نادینگز، و ثورنتون، ۱۹۸۶).

علل شکل‌گیری

مهرمحمدی (۱۳۸۷) معتقد است علل شکل‌گیری برنامه درسی مغفول را می‌باید از دو بعد مورد بررسی و مکاشفه قرار داد:

الف - غفلت: در بسیاری از شرایط غفلت و ناآگاهی برنامه‌ریزان درسی نسبت به برخی حوزه‌ها و دستاوردهای علمی جدید علت اصلی شکل‌گیری برنامه درسی مغفول است. برای مثال در صورتی که برنامه‌ریزان درسی نسبت به دستاوردهایی چون نانو تکنولوژی، سواد اطلاعاتی، و امثالهم شناخت کافی نداشته باشند باعث محدود شدن شناخت یادگیرندگان در حوزه‌های مذکور می‌شوند.

ب- سنت: برنامه درسی مغفول مفهومی است که هدف آن جلب توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی به تأمل و اندیشه درباره آن چیزهایی است که از حوزه برنامه درسی صریح حذف شده‌اند. این مفهوم کمک شایانی به حفظ ویژگی پویایی در برنامه درسی می‌کند و در صورت توجه، برنامه‌ریزی درسی را از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت می‌رهاند. به عقیده کوئین (۲۰۱۰) برنامه درسی مغفول همواره در صدد تحلیل نقادانه بین حوزه «هست‌ها» و «نیست‌ها» است تا بدین ترتیب آنچه به دلیل عادت و سنت از حوزه برنامه درسی صریح حذف شده است را شناسایی نماید.

کارکردهای اساسی

بررسی ابعاد و پیامدهای برنامه درسی مغفول ما را با دو کارکرد اصلی آن مواجه می‌سازد (مهرمحمدی، ۱۳۸۷):

- کارکرد سلبی: همان‌طور که عنوان شد، آنچه مدارس آموزش نمی‌دهند نیز به‌اندازه آنچه آموزش می‌دهند می‌تواند تأثیر و پیامد به همراه داشته باشد. آنچه یادگیرندگان نمی‌آموزند، دانش و مهارتی که از آن محروم می‌شوند، دیدگاه‌هایی که بدان‌ها ارائه نمی‌شود، و فرایندهایی که هیچ‌گاه بدان‌ها عرضه نمی‌گردد همگی تأثیراتی عمده بر روند و مسیر زندگی افراد دارند. برای مثال، دانش‌آموزانی که مهارت‌های زندگی را نمی‌آموزند به‌احتمال زیاد در مدیریت درست زندگی خویش ناتوان خواهند ماند.

- کارکرد ایجابی: گاهی اوقات بی‌توجهی و غفلت نسبت به برخی حوزه‌ها، نگرش‌ها و فرایندها می‌تواند پیام‌هایی ضمنی برای دانش‌آموزان

به همراه داشته باشد. برای مثال عدم توجه به سواد رایانه به‌عنوان بخشی از برنامه درسی مغفول می‌تواند حاوی این پیام ذهنی برای یادگیرندگان باشد که فناوری اهمیت چندانی در زندگی روزمره افراد نمی‌تواند داشته باشد (ویلسون، ۲۰۰۵).

معیار شناخت

برنامه درسی مغفول مفهومی است که یادآور این سؤال و دغدغه اساسی می‌باشد: چه دانشی دارای بیشترین و والاترین ارزش است؟ در حقیقت برنامه درسی مغفول به این بعد ارزشی برنامه‌ریزی درسی می‌پردازد که چه دانشی می‌باید در برنامه درسی قرار گیرد و کدام یک نباید در آن قرار گیرد؟ (کوئین، ۲۰۱۰). یکی از نکات اساسی که در شناخت برنامه درسی مغفول می‌باید مدنظر باشد این است که وقت و زمان مدارس محدود و موضوعات درسی و محتوایی نامحدود هستند. در این وضعیت رقابت بین موضوعی شکل می‌گیرد و موضوعات علمی مختلف برای ورود به برنامه درسی به رقابت با یکدیگر برمی‌خیزند. آنچه باعث می‌شود در این رقابت، یک حوزه محتوایی راه خود را به برنامه درسی باز کند معیارهای ارائه شده توسط نظریه تربیتی حاکم بر نظام آموزشی، و به تبع آن برنامه درسی، است. در حقیقت موضوعات و فرایندهایی می‌تواند راه خویش را به برنامه درسی باز کنند که با شاخص‌های مطرح شده در نظریه‌های حاکم بر برنامه درسی منطبق باشند. برای مثال در نظام کمونیستی کره شمالی نمی‌توان تربیت دینی را مصداق برنامه درسی مغفول به حساب آورد چرا که در یک چنین نظامی تربیت دینی جزو اهداف و آرمان‌های نظام تربیتی حاکم نیست. از سوی دیگر در نظام تربیتی ایران در صورتی که موضوعی چون "مهارت‌های زندگی" جزو برنامه درسی مقطع متوسطه نباشد، می‌توان آن را یکی از لایه‌های برنامه مغفول محسوب نمود؛ چرا که در اهداف نظام تربیتی ایران و بر مبنای آموزه‌های دین اسلام تقویت بنیان خانواده و اجتماع از جمله ارزش‌های اساسی و مهم محسوب می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که مفهوم برنامه درسی مغفول به‌عنوان یکی از سرمایه‌های مفهومی و ارزشمند حوزه مطالعات برنامه درسی از جهات ذیل حائز اهمیت باشد:

- این مفهوم نقش مهمی در توسعه سرمایه مفهومی رشته برنامه درسی داشته است (مهرمحمدی، ۱۳۸۷).
- پیام مهم این مفهوم دعوت تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی به تأمل درباره آن چیزی است که می‌توانست در برنامه درسی رسمی قرار گیرد و به علت غفلت و عادت از حوزه هست‌ها حذف شده است (آیزنر، ۱۹۹۴).
- ظهور مفهوم برنامه درسی مغفول حاکی از این امر است که برنامه درسی پدیده‌ای پیچیده و چندلایه بوده و شناخت آن صرفاً از طریق آنچه در برنامه درسی آشکار و قصد شده آمده است، امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- آنچه از برنامه درسی قصد شده به دلیل سنت و عادت حذف شده است می‌تواند پیامدهای مخرب و یا محدودکننده‌ای برای یادگیرندگان داشته باشد (فلیندرز، نادینگز، و ثورنتون، ۱۹۸۶).

منابع

قورچیان، نادر قلی و تن ساز، فروغ. (۱۳۷۴). *سیمای روند تحولات برنامه درسی به‌عنوان یک رشته تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز*. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

قورچیان، نادر قلی، ملکی، حمید و خدیوی، اسد... (۱۳۸۳). *طراحی و مهندسی برنامه درسی در هزاره سوم*. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۱). *برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی پوچ پنهان*. در *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و*

چشم‌اندازها. نوشته محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران: انتشارات سمت و به نشر.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۷). غفلت زدایی از ابعاد و مؤلفه‌های برنامه درسی ناگفته (مغفول). سخنرانی ارائه شده در دومین نشست ماهیانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.

موسی پور، نعمت‌ا... (۱۳۸۷). غفلت زدایی از ابعاد و مؤلفه‌های برنامه درسی ناگفته (مغفول). سخنرانی ارائه شده در دومین نشست ماهیانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.

Ahwee, Suzette. (2004). The Hidden and Null curriculums: An Experiment in collective Educational Biography. *Educational Studies*. 25-43, (AESAs), 35, No1, February 2004

Eisner, Elliot (1994). *The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs*. Merrill Prentice Hall, New Jersey

Wilson, Leslie Owen. (2005). *What is curriculum? And what are the types of curriculum*, Accessible at www.kau.edu.sa (last visited: March 1st, 2014)

Flinders, David J., Noddings Nel and Thornton, Stephen J. (1986). The Null curriculum: Its Theoretical Basis. *Curriculum Inquiry*, Vol.16, No. 1(spring, 1986), pp.33-42.

Quinn, Molly. (2010). Null Curriculum. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*. Edited by Craig Kridel, SAGE Publications, London, United Kingdom

Sheikhzadeh, Mostafa. (2010). *Intended, applied and null curriculum*. Paper presented at The 7th Global Conference of Creative Engagements: Thinking with Children, Oxford, United Kingdom.